

## ارتباط دینداری و بی تفاوتی اجتماعی در شهر همدان

فاطمه قائمی<sup>۱</sup>، اسماعیل بلالی<sup>۲</sup>، علی محمد قدسی<sup>۳</sup>

تاریخ وصول: 1394/05/15 تاریخ پذیرش: 1394/06/28 101-117

### چکیده

بی تفاوتی به عنوان یکی از پدیده‌های اجتماعی در فرهنگ اکثر کشورهای دنیا در قالب یک مسأله اجتماعی شناخته شده است. بی تفاوتی اجتماعی بیانگر بی‌احساسی، بدبینی، و به عبارتی افسردگی اجتماعی است. از این رو، بی تفاوتی در جامعه نوعی بیماری اجتماعی شناخته می‌شود که در مقابل نوع دوستی و سلامت اجتماعی قرار دارد. هدف از پژوهش حاضر، بررسی تأثیر میزان دینداری بر بی تفاوتی اجتماعی در شهر همدان می‌باشد. روش مطالعه حاضر کمی و پیمایشی بوده و داده‌ها با استفاده از ابزار پرسشنامه و از طریق مراجعه به درب منازل گردآوری شد. جامعه آماری شهر همدان بوده و تعداد نمونه 246 نفر است. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای می‌باشد. برای تعیین اعتبار از روش‌های «اعتبار محتوی» و «اعتبار صوری» و برای پایایی پرسشنامه از تکنیک «آلفای کرونباخ» استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که بی تفاوتی اجتماعی در شهر همدان بیشتر در سطح پایین و متوسط به پایین می‌باشد. مشخص شد که دینداری هم بطور مستقیم و هم از طریق فردگرایی بر بی تفاوتی اجتماعی تأثیر دارد.

واژگان کلیدی: بی تفاوتی اجتماعی، دینداری، فردگرایی، اعتماد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

1 - کارشناس ارشد جامعه‌شناسی (نویسنده مسئول): fatemehghaemi91@yahoo.com

2 - دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینای همدان

3 - دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینای همدان

## مقدمه

بی تفاوتی به عنوان یکی از پدیده‌های اجتماعی در فرهنگ اکثر کشورهای دنیا در قالب یک مسأله اجتماعی شناخته شده است. برخی از محققان بر این باورند که ایران و بسیاری از جوامع جهان سوم عموماً در شرایط آنومیک به صورت حاد یا مزمن به سر می‌برند؛ یعنی نوعی وضعیت آنومیک که اغلب در فرآیند گذار شتابان از جامعه پیش مدرن به مدرن و در نتیجه جریان‌های نوسازی پدید می‌آید و وضعیت پیچیده‌ای است که با بی‌هنجاری همراه است، اساس هر نظم اجتماعی را عاطفه و تفاوت‌هایی تشکیل می‌دهد که ریشه در وابستگی به جمع دارد (چلبی، 1375: 157). اما بی تفاوتی اجتماعی بیانگر بی‌احساسی، بدبینی، و به عبارتی افسردگی اجتماعی است. از این رو، بی تفاوتی در جامعه نوعی بیماری اجتماعی شناخته می‌شود که در مقابل نوع دوستی و سلامت اجتماعی قرار دارد (محسنی تبریزی و صداقتی فرد، 1390: 2).

از مصادیق بی تفاوتی اجتماعی می‌توان به کم‌توجهی و بی‌توجهی به اجرا یا عدم اجرای مسائل دینی در جامعه اشاره کرد که بر اساس آن ما عدم رعایت مسائل دینی را در جامعه می‌بینیم، اما به آن‌ها توجهی نمی‌کنیم و یا مواردی مثل فزونی مواد مخدر، آزار و اذیت دیگران، گران‌فروشی و... اما هیچ مسئولیتی در قبال آن‌ها در خود احساس نمی‌کنیم و این به معنای بی تفاوتی اجتماعی است.

بی تفاوتی پدیده‌ای آسیب‌شناختی است که مانعی در راه توسعه ملی می‌باشد؛ چرا که اگر مشارکت افراد در قلمروهای مختلف زندگی اجتماعی را شرط مهم

توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بدانیم؛ پس عدم مشارکت و شیوع بی تفاوتی را می توان یک عامل قوی در توسعه نیافتگی قلمداد کرد.

وقتی به منابع ارزشی و دینی توجه کنیم، هر یک به نوعی به بی تفاوتی نبودن سفارش می کنند. اتحاد و وفاق اجتماعی و معاشرت های اعضای جامعه می تواند استحکام و استواری این تشکل را در بعد انسانی و اخلاقی تضمین کند، قرآن کریم پس از مطرح نمودن یکتاپرستی و اجتناب از شرک ورزی، دعوت عملی به تعاون و تضامن اجتماعی می نماید و در این میان پس از پرستش خداوند، نیکی به والدین، ارحام، یتیمان و فقیران و احسان به همسایه را مورد توجه قرار می دهد. «و اعبدوا الله و لا تشركوا به شیئاً و بالوالدین احساناً و بذی القربی و الیتامی و المساکین و الجار ذی القربی و الجار الجنب و الصاحب بالجنب و ابن السبیل و ما ملکت ایمانکم ان الله لایحب من کان مختالاً فخوراً». (سوره نساء، آیه 36). جالب این که رعایت حقوق مجاورین طبق آیه قرآن، عملی نمودن فرمان الهی است و نیز این سلوک و رفتار نیک در ردیف عبادت پروردگار تلقی گردیده است.

### مبانی نظری

اگر بخواهیم نظریات مربوط به بی تفاوتی اجتماعی و دینداری را بررسی کنیم، می توان به این صورت بیان کرد:

**دورکیم:** آنومی در آثار دورکیم، مفهومی است که موقعیت ها و وضعیت های بی سامان و نامنظم اجتماعی را بیان می کند. شرایط آنومیک زمانی است که نیازها و خواسته ها با وسایل و امکانات تطبیق نمی کنند و امکانات موجود پاسخگوی آنها نیست. وقتی که قوانین یا نیروهای جمعی شکسته می شود، فرد در بی اتکایی، بی هنجاری و عدم تطبیق با اوضاع موجود دچار سرخوردگی می شود. از طرف دیگر،

فردگرایی که به صورت ناهماهنگی و عدم تطبیق با هنجارهای اجتماعی و کاهش همبستگی اجتماعی تجلی پیدا می‌کند که منجر به از خود بیگانگی می‌شود و شرایط آنومیک جامعه به این بیگانگی و جدایی فرد از هنجارهای جامعه دامن می‌زند (توسلی، 1382: 36). از نظریه دورکیم در متغیر آنومی و فرد گرایی استفاده شده است.

**رابرت پاتنام<sup>1</sup>:** رابرت پوتنام یکی از متفکرین برجسته در زمینه سرمایه اجتماعی است که توانست با موفقیت این مفهوم را از حلقه علمی و آکادمیک در عرصه رسانه‌های جمعی وارد نماید. او مفهوم سرمایه اجتماعی را در مقیاسی متفاوت از کلمن به کار می‌گیرد، اما تعریف او از آن مستقیماً تحت تأثیر کلمن می‌باشد؛ «سرمایه اجتماعی به خصوصیات از سازمان اجتماعی نظیر شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اشاره دارد که همکاری و هماهنگی برای منافع متقابل را تسهیل می‌نماید». از نظر او، سرمایه اجتماعی کمک دهنده رفتار جمعی است؛ یعنی هزینه‌ها را برای نقض‌کننده‌ها افزایش، معیارهای خوب دو طرفه را تقویت، جریان گردش اطلاعات مربوط به خوش‌نامی فعالان را تسریع، موفقیت‌های گذشته‌ی فعالیت‌های جمعی را نمایان و همانند چارچوبی برای همکاری‌های بیشتر آینده عمل می‌کند (فیلد، 1385: 48). از نظریه پاتنام در توضیح اعتماد اجتماعی به‌عنوان یکی از ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی استفاده می‌شود.

اعتماد: یکی از مؤلفه‌های مد نظر اوست. اعتماد مبنایی برای ایجاد بده بستان و انجمن‌های داوطلبانه می‌باشد و این‌ها به نوبه خود بنای ایجاد و تقویت اعتماد

1-Robert, Putnam

می‌گردند. اعتماد از عناصر ضروری برای تقویت همکاری است که حاصل پیش‌بینی‌پذیری رفتار دیگران بوده و در یک جامعه کوچک از طریق آشنایی نزدیک با دیگران حاصل می‌شود. اما در جوامع بزرگ‌تر و پیچیده‌تر یک اعتماد غیرشخصی‌تر یا شکل غیرمستقیمی از اعتماد ضرورت می‌یابد (همان: ۲۹۲).

**سیمن:** پایه مفهوم بیگانگی در روان‌شناسی را سیمن<sup>۱</sup> بنا نهاد. سیمن در زمره نخستین روانشناسانی است که با رویکردی روان‌شناختی اجتماعی کوشیده‌اند تا مفهوم بیگانگی را در قالبی منظم و منسجم تدوین و تعریف نمایند. به زعم وی، نحوه کنترل و مدیریت جامعه بر نظام پاداش اجتماعی به گونه‌ای است که فرد ارتباطی را بین رفتار خود و پاداش مأخوذ از جامعه نمی‌تواند برقرار کند و در چنین وضعیتی، احساس بیگانگی بر فرد مستولی می‌گردد و او را به کنشی مفصلانه و ناسازگارانه در قبال جامعه سوق می‌دهد.

سیمن پنج نوع رفتار بیمارگونه را در نمونه‌شناسی خود به دست آورد:

1. احساس بی‌قدرتی: عبارت است از احتمال یا انتظار متصوره از سوی فرد در قبال بی‌تأثیری عمل خویش و یا تصور این باور که رفتار او قادر به تحقق و تعیین نتایج مورد انتظار نبوده و وی را به هدفی که کنش او بر اساس آن تجهیز گردیده است، رهنمون نیست.

2. احساس بی‌معنایی: فرد احساس می‌کند راهنمایی برای انتخاب عقیده ندارد در نتیجه دچار شک شده و نمی‌تواند در تصمیم‌گیری عقیده خود را با استانداردهای فرهنگی و اجتماعی موجود در جامعه وفق دهد.

3. احساس بی‌هنجاری: بی‌هنجاری زمانی رخ می‌دهد که برای رسیدن به اهداف ارزشمند جامعه از راه‌های نایل به اهداف نامشروع استفاده می‌شود. زمانی که فرد

متقاعد می‌شود فقط کنش‌هایی او را به حوزه‌های هدف رهنمون می‌سازند که مورد تأیید جامعه نیستند.

4. احساس انزوای اجتماعی: واقعیتی فکری است که در آن، فرد عدم‌تعلق و وابستگی و انفصال تام‌های را با ارزش‌های مرسوم جامعه احساس می‌کند.

5. احساس بیزاری: سیمین میزان و درجه هر رفتار را مبتنی بر پاداش‌های مورد انتظار آتی می‌داند و همچون مارکس معتقد است که پاداش منحصرأ در خود عمل نهفته، نیست بلکه نسبت به کار، امری خارجی است؛ یعنی احساس ناتوانی فرد در انجام فعالیت‌هایی که او را ارضاء می‌کند (توسلی، 1382:34).

**فوکویاما:** در میان عناصری که در جامعه، سرمایه اجتماعی را به وجود می‌آورند و یا حتی خود به‌عنوان سرمایه اجتماعی قلمداد می‌گردند، دین است. افرادی مانند فوکویاما و ارنر... از دین به‌عنوان عامل موجد سرمایه اجتماعی یاد نموده‌اند (گنجی و ستوده، 1390: 102). در تحلیل نظام اعتقادی ادیان، فوکویاما ارزش‌های اخلاقی نظیر، صداقت، ایثار، اعتماد و موارد مشابه در ادیان را موجب مشارکت اجتماعی بین اعضای یک گروه یا فرقه مذهبی می‌داند (فوکویاما، 1379). و حتی گفته شده است که افراد بر حسب دین و مذهبی که دارند ممکن است منشأ مشارکت باشند (الوانی و نقوی، 1380:13). ایوانز نیز بر نقش فعالیت‌ها و مناسک دینی در بهبود کنش‌های متقابل افراد در پیوند و اعتماد آن‌ها به یکدیگر تاکید می‌کند و معتقد است که رفتار دینی با سایر مؤمنان، دوستان و اعضای خانواده می‌تواند گامی در جهت ایجاد سرمایه اجتماعی تلقی شود (گنجی و ستوده: 1390، 106). بر اساس نظر دورکیم و گیدنز، با افزایش دینداری اعتماد اجتماعی بالا می‌رود اعتماد اجتماعی هر چقدر بالا باشد مسئولیت‌پذیری هم بالا می‌رود.

## پیشینه پژوهش

تحقیق‌های پیشین در زمینه موضوع مورد بررسی می‌تواند منبع با ارزشی در هدایت تحقیق و ارائه شمایی کلی درباره موضوع مورد نظر باشد. از طرفی، مطالعه تحقیق‌های انجام شده می‌تواند نظریه‌هایی را برای آزمون و تفسیرهای اجتماعی از داده‌های مشاهده‌ای در اختیار بگذارد.

نادری (1383)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود به بررسی این موضوع با روش پیمایش بر روی 410 نمونه دانشجوی کارشناسی دانشگاه تبریز پرداخت که نتایج حاصل از آزمون فرض‌ها نشان دهنده رابطه معنی‌دار بین متغیرهای اصلی تحقیق یعنی بیگانگی، اثربخشی، اعتماد، رضایت به عنوان متغیر مستقل و بی تفاوتی اجتماعی به عنوان متغیر وابسته تحقیق می‌باشد. نتایج بر وجود ارتباط معنی‌دار بین این متغیرها تأکید دارد.

کلانتری و همکاران (1386)، در یک پژوهش علی-مقایسه‌ای به بررسی ارتباط بی تفاوتی اجتماعی با متغیرهای همدلی، مسئولیت‌پذیری، تحلیل هزینه-پاداش مادی پرداخت که نتایج نشان می‌دهد در مواجهه با حالت‌های اضطراری 75/3 درصد شهروندان نوع دوست و 24/7 درصد بی تفاوت‌اند. به علاوه، گروه نوع دوست در مقایسه با بی تفاوت دارای همدلی بیشتر، مسئولیت‌پذیری بیشتر و تحلیل هزینه-فایده کم‌تر است.

محسنی تبریزی و صداقتی فرد (1390)، در یک پژوهش به بررسی این موضوع با روش پیمایش، بر روی 850 نمونه در شهر تهران پرداخت که یافته‌ها میزان 67/20 درصد بی تفاوتی اجتماعی را نشان می‌دهد و در بین افراد در مورد متغیرهای

قومیت، شغل، تحصیلات با بی تفاوتی تفاوت وجود دارد و بین تمامی متغیرهای مستقل اصلی یعنی آنومی، اعتماد اجتماعی، اثربخشی اجتماعی، رضایت اجتماعی، محرومیت نسبی، فردگرایی، تحلیل هزینه با بی تفاوتی اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد.

روس<sup>1</sup> (1975) در پژوهشی در پایتخت کنیا، علت اصلی بی تفاوتی به مسائل اجتماعی-سیاسی را مختصات خرده گروه‌های قومی استنتاج کرد و این نشانگر رابطه مستقیم همبستگی میان بی تفاوتی در رابطه با قومیت بوده است. در این پژوهش، بیگانگی سیاسی به عنوان احساس بیگانگی سیاسی و ناتوانی سیاسی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. اطلاعات جمع‌آوری شده در نایروبی، کنیا، نشان می‌دهد پایگاه‌های اجتماعی مختلف نگرشی بسیار متفاوت دارند.

چین و زانگ<sup>2</sup> (1999) در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر و متغیرهای گوناگون زمینه‌ای و مستقل، مانند سن، جنس، تحصیلات، رضایت اجتماعی، اثربخشی، موقعیت اجتماعی- شغلی، وابستگی حزبی بر روی بی تفاوتی سیاسی مورد بررسی قرار داد که نتایج حاکی از وجود رابطه معنی دار میان این متغیرها بوده است.

المیز جاجی<sup>3</sup> (2001) این پژوهش در عربستان سعودی، و بر رابطه بین بوروکراسی و شهروندان و به طور خاص، به موضوع بی تفاوتی عمومی، تمرکز دارد. این مطالعه در جده، با یک نمونه 800 تایی به صورت تصادفی انتخاب و انجام شد و با 446 پاسخ دهنده به پایان رسید. داده‌ها به صورت توصیفی و تحلیلی

1- Ross

2- Chen&Zhon

3- Al-Mizjaji



جمع‌آوری شده و مورد آزمون قرار گرفت که حاکی از بی تفاوتی عمومی در میان شهروندان عربستان بوده است. در نتیجه، او مسأله بی تفاوتی عمومی را به عنوان مانعی در جهت برنامه‌های توسعه این کشور قرار داده است.

هدف اصلی:

بررسی ارتباط میزان دینداری و بی تفاوتی اجتماعی در شهر همدان

- فرضیه‌ها:

1- به نظر می‌رسد با افزایش دینداری اعتماد اجتماعی افزایش و در نتیجه بی تفاوتی اجتماعی کاهش می‌یابد.

2- به نظر می‌رسد با کاهش دینداری، فردگرایی افزایش و در نتیجه بی تفاوتی اجتماعی افزایش می‌یابد.

- روش شناسی پژوهش:

پژوهش به لحاظ محتوی کاری از نوع پیمایشی و در میان انواع پژوهش‌های پیمایشی این کار از نوع زمینه‌ای است. از نظر هدف، کاربردی است و از نظر نوع دامنه، از نوع خرد می‌باشد؛ زیرا واحد تحلیل در اینجا فرد است. این کار از نظر وسعت از نوع مطالعات پهنانگر است یعنی محقق صفت مشخص را بر روی گروه وسیعی از افراد جامعه بررسی می‌کند. تحقیق حاضر از نظر زمان، از نوع مقطعی می‌باشد.

جامعه آماری این پژوهش افراد بالای 18 سال شهر همدان می‌باشد. به منظور

تعیین حجم نمونه، از فرمول کوکران استفاده می‌شود. 
$$n = \frac{Nt^2 p(q)}{Nd^2 + t^2 p(q)}$$
 که

برابر با 246 نفر شد. روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای چند مرحله‌ای است. در این روش، از بلوک‌بندی‌های موجود شهرداری همدان استفاده شد. ابتدا به صورت

خوشه‌ای شهر به محلات تقسیم، و سپس در مرحله بعد پس از تعیین خوشه‌ها و بلوک‌ها، با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی، نمونه نهایی برگزیده شد. به همین منظور، ابتدا شهر به چهار خوشه تقسیم شده، سپس در درون هر خوشه سه محله انتخاب شده که این نمونه‌ها به روش تصادفی سیستماتیک انتخاب شده است. گردآوری داده‌ها از طریق پرسشنامه<sup>1</sup> محقق‌ساخته صورت می‌گیرد که شامل گویه‌ها و سؤالات طراحی شده‌ی مناسب با متغیرهای مورد بررسی می‌باشد و پس از انجام پیش‌آزمون و حذف گویه‌های نامعتبر از طریق مراجعه مستقیم به درب منازل انجام گرفته است.

در این تحقیق، برای تعیین اعتبار از روش‌های «اعتبار محتوا» و «اعتبار صوری» استفاده شده است. هر دوی این روش‌ها با توجه به نظرات و دیدگاه‌های متخصصان و کارشناسان انجام می‌شود. در پژوهش حاضر، همچنین اعتبار تبعیض، همگرا و درونی نیز بررسی شده است و دارای هر سه نوع اعتبار می‌باشد. برای سنجش پایایی پرسشنامه، از تکنیک «آلفای کرونباخ» استفاده شده است. تحلیل داده‌ها به وسیله نرم افزار spss بوده است.

یافته‌ها:

#### آزمون فرضیه شماره یک

به نظر می‌رسد با افزایش دینداری، اعتماد اجتماعی افزایش و در نتیجه، بی‌تفاوتی اجتماعی کاهش می‌یابد.

<sup>1</sup>Questionnaire

جدول 1) نتایج مربوط به ضرایب رگرسیونی

مدل		ضریب رگرسیونی استاندارد نشده		ضریب رگرسیونی استاندارد نشده	T	سطح معناداری
		B	انحراف استاندارد			
ارتباط میزان دینداری و اعتماد اجتماعی	ثابت	23.826	1.407	-	16.937	.000
	میزان دینداری	-.193	.160	-.080	-1.208	.228
ارتباط اعتماد اجتماعی و بی تفاوتی اجتماعی	ثابت	20.367	1.111	-	18.336	.000
	احساس اعتماد	.130	.127	.069	1.024	.307
ارتباط دینداری و بی تفاوتی اجتماعی	ثابت	24.773	1.183	-	20.948	.000
	میزان دینداری	-.152	.052	-.196	-2.950	.004

همان‌گونه که در جدول فوق دیده می‌شود، در مدل اول، بین میزان دینداری و اعتماد، طبق نتایج این آزمون چون سطح معناداری ( $\text{Sig}=0/228$ ) بیشتر از آلفای مورد نظر تحقیق ( $\alpha=0/05$ ) بوده است. پس، بین میزان دینداری و اعتماد رابطه معناداری وجود ندارد.

در مدل دوم، رابطه بین اعتماد و میزان بی‌تفاوتی طبق نتایج این آزمون چون سطح معناداری ( $\text{Sig}=0/307$ ) بیشتر از آلفای مورد نظر تحقیق ( $\alpha=0/05$ ) بوده است. پس، بین میزان بی‌تفاوتی اجتماعی و اعتماد رابطه معناداری وجود ندارد.

در مدل سوم، رابطه بین میزان دینداری و بی‌تفاوتی اجتماعی طبق نتایج این آزمون چون سطح معناداری ( $\text{Sig}=0/004$ ) کم‌تر از آلفای مورد نظر تحقیق ( $\alpha=0/05$ ) بوده است، پس بین میزان بی‌تفاوتی اجتماعی و میزان دینداری رابطه معناداری وجود دارد؛ از طرفی چون بتا منفی می‌باشد به این معناست که با افزایش میزان دینداری، بی‌تفاوتی اجتماعی کاهش می‌یابد. بنابراین، این نتیجه با نظریه فوکویاما همخوانی دارد. چون این مفهوم به لحاظ نظری عکس هم هستند و همچنین در در کار تجربی ما نیز ثابت شده است، پس دارای اعتبار تبعیض می‌باشد.

#### آزمون فرضیه شماره دو

به نظر می‌رسد با کاهش دینداری، فردگرایی افزایش و در نتیجه بی‌تفاوتی اجتماعی افزایش می‌یابد.

بر اساس جدول زیر، مدل اول که رابطه بین میزان دینداری و فردگرایی است، طبق نتایج این آزمون چون سطح معناداری ( $\text{Sig}=0/000$ ) کمتر از آلفای مورد نظر تحقیق ( $\alpha=0/05$ ) بوده است، پس بین میزان دینداری و فردگرایی رابطه معناداری وجود دارد؛ به این معنا که افراد هرچه قدر میزان دینداریشان بیشتر می‌شود توجه به نیازهای جمع را نسبت به نیازهای فردی ارجحیت داده و فردگرایی کاهش می‌یابد. منفی بودن بتا این رابطه عکس را نشان می‌دهد؛ یعنی با افزایش دینداری فردگرایی کاهش می‌یابد و چون این مفهوم به لحاظ نظری عکس هم هستند و همچنین در در کار تجربی ما نیز تأیید شده است، پس دارای اعتبار تبعیض می‌باشد.

مدل دوم، رابطه بین فردگرایی و میزان بی تفاوتی می باشد. طبق نتایج این آزمون، سطح معناداری مورد قبول بوده است. پس بین میزان بی تفاوتی اجتماعی و فردگرایی رابطه معناداری وجود دارد، به دلیل این که بتا مثبت است، رابطه مستقیم با هم دارند؛ یعنی هر چه قدر افراد فردگراتر باشند و فقط به مسائل مربوط به خود بپردازند، نسبت به مسائل جمع بی تفاوت می شوند. بنابراین، با نظریه دورکیم همخوانی دارد. چون این مفهوم به لحاظ نظری رابطه مستقیم با هم دارند و همچنین در در کار تجربی ما نیز تأیید شده است، پس دارای اعتبار همگرا می باشد.

جدول (2) نتایج مربوط به ضرایب رگرسیونی

مدل	ضریب رگرسیونی استاندارد نشده		ضریب رگرسیونی استاندارد نشده		t	سطح معناداری
	B	انحراف استاندارد	B	انحراف استاندارد		
ارتباط میزان دینداری و فردگرایی	ثابت	30.842	1.612	-	19.137	.000
	فردگرایی	-.407	.073	-.349	-5.557	.000
ارتباط فردگرایی و بی تفاوتی اجتماعی	ثابت	17.142	1.314	-	13.049	.000
	فردگرایی	.200	.060	.220	3.341	.001
ارتباط میزان دینداری و بی تفاوتی اجتماعی	ثابت	24.773	1.183	-	20.948	.000
	میزان دینداری	-.152	.052	-.196	-2.950	.004

در مدل سوم، رابطه بین میزان دینداری و بی تفاوتی اجتماعی طبق نتایج این آزمون چون سطح معناداری ( $\text{Sig}=0/004$ ) کمتر از آلفای مورد نظر تحقیق ( $\alpha=0/05$ ) بوده است، پس بین میزان بی تفاوتی اجتماعی و میزان دینداری رابطه معناداری وجود دارد. این رابطه در فرضیه قبل تأیید شد.

### نتایج

بر اساس نتایج بدست آمده، به لحاظ سنی بیش تر پاسخ گویان در طبقه اول گروه سنی یعنی گروه 18-27 سال قرار دارند که در کل 48.2 درصد جمعیت نمونه را تشکیل می دهند. از نظر جنسیت نیز 40 درصد پاسخ گویان را آقایان و 60 درصد را خانم ها تشکیل می دهند. به لحاظ وضع سواد و سطح تحصیلات بایستی یادآور شد که آمارها نشان از عمومیت سوادآموزی در میان جمعیت نمونه دارد. در میان پاسخ گویان، تنها 2.4 درصد آنان را افراد تحصیلات ابتدائی تشکیل داده اند. از طرفی، بیش تر پاسخ گویان از لحاظ سطح تحصیلات در طبقه ی دیپلم و لیسانس قرار گرفته اند که هرکدام 27/3 درصد پاسخ گویان را شامل می شود. یافته ها نشان می دهد که پاسخ گویان به هنگام انجام مطالعه شاغل بوده اند (41/6 درصد) و 58.4 درصد نیز عنوان کرده اند که غیر شاغل هستند.

- در بررسی بی تفاوتی اجتماعی، 48.2 درصد افراد دارای بی تفاوتی پایین و متوسط به پایین هستند و 45.3 درصد افراد دارای بی تفاوتی بالا و متوسط به بالا می باشند. در بررسی میزان دینداری، 55.5 درصد افراد دارای میزان دینداری بالا و متوسط به بالا می باشند و 43.1 درصد افراد دارای دینداری پایین و متوسط به پایین می باشند. در بررسی میزان فردگرایی، 50.6 درصد افراد دارای میزان فردگرایی پایین و متوسط به پایین می باشند و 45.3 درصد افراد دارای میزان فردگرایی بالا و متوسط

به بالا بودند.

در فرضیه، به نظر می‌رسد با افزایش دینداری اعتماد اجتماعی افزایش و در نتیجه بی تفاوتی اجتماعی کاهش می‌یابد. از آزمون رگرسیون استفاده شده که چون سطح معناداری ( $\text{Sig}=0/228$ ) بیشتر از آلفای مورد نظر تحقیق ( $\alpha=0/05$ ) بوده است، پس بین میزان دینداری و اعتماد رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین، به دلیل آلفای ( $\text{Sig}=0/307$ ) بین میزان بی تفاوتی اجتماعی و اعتماد رابطه معناداری وجود ندارد. یافته‌ها نشان می‌دهد چون سطح معناداری ( $\text{Sig}=0/004$ ) کم‌تر از آلفای مورد نظر تحقیق ( $\alpha=0/05$ ) بوده است، پس بین میزان دینداری و بی تفاوتی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. یافته‌ها حاکی از آنست که میزان دینداری تأثیری در اعتماد اجتماعی نداشته همچنین اعتماد اجتماعی تأثیری بر میزان بی تفاوتی ندارد، ولی میزان دینداری بطور مستقیم باعث افزایش یا کاهش بی تفاوتی می‌شود. مدل سوم فرضیه یعنی رابطه دینداری و بی تفاوتی مطابق با نظریه فوکویاما می‌باشد؛ زیرا بر اساس نظریه فوکویاما ارزش‌های اخلاقی در ادیان هستند که می‌توانند منشأ مشارکت اجتماعی شوند. در نتیجه، این فرضیه رد می‌شود.

فرضیه به نظر می‌رسد با کاهش دینداری، فردگرایی افزایش و در نتیجه بی تفاوتی اجتماعی افزایش می‌یابد.

در رابطه بین میزان دینداری و فردگرایی، طبق نتایج آزمون، چون سطح معناداری ( $\text{Sig}=0/000$ ) کوچک‌تر از آلفای مورد نظر تحقیق ( $\alpha=0/05$ ) بوده است، پس بین میزان دینداری و فردگرایی رابطه معناداری وجود دارد. در مورد رابطه بین فردگرایی و میزان بی تفاوتی، طبق نتایج آزمون و با سطح معناداری ( $\text{Sig}=0/001$ )، بین میزان بی تفاوتی اجتماعی و فردگرایی رابطه معناداری وجود دارد. رابطه میزان دینداری و بی تفاوتی اجتماعی طبق

نتایج فرضیه قبل، رابطه معناداری بوده است. در نتیجه، فرض تأیید می‌شود. بر اساس نظریه‌ها و یافته‌ها، هر چه حس تعلق به جمع بیشتر باشد، یعنی در فردگرایی کم‌تر، دینداری افزایش می‌یابد؛ زیرا دین در جامعه منبعی هنجار بخش محسوب می‌شود و هر چه افراد تمایل بیشتری به تبعیت از هنجارها داشته باشد، حس تعلق به جمع، مشارکت و یکپارچگی با گروه بیشتر می‌شود. همچنین، مطابق با نظریه دورکیم، فردگرایی که به صورت ناهماهنگی و عدم تطبیق با هنجارهای اجتماعی و کاهش همبستگی اجتماعی تجلی پیدا می‌کند، منجر به از خود بیگانگی و جدایی فرد از هنجارهای جامعه می‌شود، پژوهش حاضر نیز این مطلب را تأیید می‌کند. محسنی تبریزی و صداقتی فرد (1390) در پژوهش خود در فرضیه‌ای مشابه، به همین نتیجه رسید که نتایج پژوهش حاضر رسیده است.

### منابع

- الوانی، سید مهدی؛ میر علی نقوی (1380) « سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه‌ها» فصلنامه مدیریت، شماره 34 و 35.
- توسلی، غلامعباس (1382). «مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه‌ی آنومیک» انتشارات دانشگاه تهران.
- چلبی، مسعود (1375). «جامعه شناسی نظم» تهران، نشر نی.
- فیلد، جان (۱۳۸۵)، « سرمایه‌ی اجتماعی» ترجمه: جلال متقی، تهران، موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- فوکویاما، فرانسیس (1379). «پایان نظم: سرمایه‌ی اجتماعی و حفظ آن» ترجمه غلامعباس توسلی، نشر تهران.



- کلانتری، صمد و همکاران(1386). «بررسی بی تفاوتی و نوع دوستی در جامعه‌ی شهری ایران - عوامل مؤثر بر آن» دو ماهنامه علمی-پژوهشی دانشگاه شاهد، سال چهاردهم، دوره جدید، شماره 22: 27-29
- گنجی، محمد؛ هلالی ستوده مینا(1390). « رابطه‌ی گونه‌های دینداری و سرمایه‌ی اجتماعی: رویکردی نظری و تجربی در شهرستان کاشان » جامعه شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره دوم: 95-120
- محسنی تبریزی، علیرضا صداقتی فرد مجتبی(1390). «پژوهشی درباره‌ی بی تفاوتی اجتماعی در ایران: مورد پژوهش شهروندان تهرانی» جامعه شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره پیاپی(43)، شماره سوم: 1-22
- نادری عباس‌آباد ، حمدالله.(1383) . «سنجش میزان بی تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان کارشناسی دانشگاه تبریز و بررسی عوامل مرتبط بر آن» پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
- Al.Mizjaji, Almad Dawood(2001) Public Apathy Towards Bureaucracy As a Constraint On The Development Of Saudi Arabia. Public Administration Quarterly, Fall 2001. P : 270.
- Chen,J & Zhong, Y(1999)Mass Political Interest(Or Apathy)in Urban China.Communist and Post Communist Studies,Vol 32.
- Ross, M.H (1975) Political Alienation, Participation and Ethnicity: An African Case .American Journal of Political Science ,Vol.2 p:291-311.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی